



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۰۷/۰۴

جلیل غنی هروی

هشدار جدید سیاستمداران امریکا به پاکستان

چهار سناتور از احزاب جمهوریخواه و دیموکرات ایالات متحده امریکا هشدار جدیدی بعد از دیدار از پاکستان و کابل به پاکستان داده و تمرکز اصلی بر از بین بردن شبکه حقانی و سایر گروه های دهشت افکن در خاک پاکستان را از اهداف خویش اعلام داشتند.

سناتور جان مک کین، سناتور بن سیس، سناتور جو دنکی و سناتور لینزی گرام روز دو شنبه چهارم جولای ۲۰۱۶ در کابل در یک کنفرانس مطبوعاتی بر حفظ تعداد موجود قوای امریکا در افغانستان فشار آورده و کاهش درین تعداد نه هزار و هشتصد سرباز امریکائی را تکرار کابوس عراق خواندند.

سناتور جو دنکی گفت: «ریشه کن ساختن گروه حقانی باید تمرکز اصلی ما باشد. تأریخ نشان می دهد که وقتی تبهکاران پناه گاه امن برای فرار داشته باشند جنگ را نمی توان برد و نمی توان کامیاب شد»

بن سیس سناتور دیموکرات گفت: «آنچه ما باید بکنیم باید نه تنها گروه حقانی بل تمام گروه های دهشت افکن که از پاکستان همچو پناه گاه امن استفاده می کنند نابود شوند. نظامیان و حکومت پاکستان باید با ما کمک کنند»

سناتور جان مک کین یکی از سناتوران عالی رتبه ایالات متحده امریکا اظهار داشت: «ما قویاً عقیده داریم که به نه هزار و هشتصد سرباز درینجا نیاز داریم. اگر این تعداد کاهش یابد کابوس عراق تکرار خواهد شد. ما دیدیم که بیرون

شدن ما از عراق به ایجاد القاعده در عراق و داعش انجامید»

سناتور لینزی گرام سناتور عالی رتبه دیگر از حزب جمهوریخواه گفت: «من یک چیز را پیشبینی کرده می توانم، اگر قوای خود را به پنج هزار و پنجصد نفر کاهش دهیم اینجا سقوط خواهد کرد و اگر همان تعداد نه هزار و هشتصد نفر را نگهداریم چانس برنده شدن ما بسیار است»

بارک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده اعلام کرده بود که تا ختم سال ۲۰۱۶ تعداد سربازان امریکائی را در افغانستان به پنج هزار و پنجصد نفر تقلیل خواهد داد و در پایان سال ۲۰۱۷ این تعداد به سه هزار نفر تقلیل خواهد یافت که از سفارت و سایر تأسیسات امریکا در افغانستان نگهداری کنند. ولی تغییر وضع جنگ، شدت آن از یک سال به ایطرف، تشدید عملیات انتحاری و حمله بر منافع و تأسیسات ایالات متحده و غرب در افغانستان، عدم موجودیت

قوای مجهز و کافی هوایی افغانستان، ظهور گروه داعش در بخشی از مناطق شرقی و شمال شرقی افغانستان از عواملی است که نه تنها سناتوران امریکائی بلکه قوماندانهای نظامی، تحلیل گران اوضاع نظامی و سیاسی و سایر پالیسی سازان ایالات متحده را بر آن داشته است که حفظ تعداد فعلی سربازان ایالات متحده در افغانستان را تقاضا و بر آن فشار آورند. پیمان ناتو و سایر همکاران بین المللی که در افغانستان سرباز دارند نیز به حفظ و بعضاً افزایش سربازان شان در افغانستان تعهد کرده اند.

این تازه ترین نظرسیاست بازار و طراحان سیاست های ایالات متحده آمریکا در رابطه با افغانستان است. ولی پاکستان از چهل سال به این طرف چشم حرص و طمع را بر افغانستان دوخته و درین راه برای بدست آوردن اهداف استراتژیک خود از هیچ نوع سرمایه گذاری دریغ نکرده است. دست اندازی ها و مداخلات پاکستان در افغانستان اظهر من الشمس است و از سالیان متمادی و از تأسیس پاکستان در سال ۱۹۴۷، پس از انقسام هند توسط انگلستان، تا کنون ادامه داشته است. این تجاوزات و مداخلات با تغییر زمان تغییر شکل داده است. گاهی به شکل آشکار و زمانی هم سری و نهفته ولی از سال ۱۹۷۵ به بعد و حتی پیش از تهاجم اتحاد شوروی وقت بر افغانستان در سال ۱۹۷۹ این مداخلات و دست اندازی ها آشکار تر و برملا تر و وقیحانه تر گردید و تا جایی جرأت یافت که پاکستان افغانستان را «جزء لایجزای» پاکستان دانست و به خود حق داد تا رسماً و بدون هیچ گونه ملاحظه ای چنین ادعایی را بنماید که البته ناشی از ضعف حکومت افغانستان، پیروی از سیاست های عجز و تضرع افغانستان در مقابل پاکستان و طالبان دست نشانده آن، پیروی از پالیسی های تسلیم طلبانه در برابر فشار های سیاسی و نظامی پاکستان بود. بطور مثال وقتی پاکستان در یک هفته ماه جون سال ۲۰۱۲ بیش از یک هزار راکت بر ولایت کنر شلیک کرد که در اثر آن شش غیر نظامی جام شهادت نوشید و ده ها هموطن مظلوم و بیگناه دیگر ما زخمی گردیدند، می دانید عکس العمل حکومت افغانستان چه بود؟

« شورای امنیت ملی با تقبیح این عمل پاکستان، هدایت داد جنرالانی که برای اشتراک در کنفرانسی عازم اسلام آباد بودند، اشتراک نکنند»

چه خجالت آور و شرم آور.

در حالی که مردم شجاع و مدافع نوامیس ملی کنر داد می زدند که به آنها اجازه داده شود که خود از خاک شان دفاع نمایند ولی حکومت اجازه نداد و مانع عکس العمل آنها گردید. اینست جوابی که حکومت افغانستان به متجاوزین داد. آیا جز هراس از افشاشائی که مایه خجالت می گردید دلیل دیگری داشته می توانست؟

مصلحت نیست که از پرده بیرون افتد راز

ورنه در مجلس رندان خبری نیست که نیست

تا که از مطلب دور نرویم مصاحبه ویدیوئی "پریس تلویزیون" در برنامه فوکس Focus «در زیر ذره بین» با "زید حمید" مبصر سیاسی و مشاور امنیتی پاکستان در هیمن سال ۲۰۱۲ درست قبل از حملات راکتی پاکستان بر کنر نشر گردید که نقاط نظر (آی اس آی) و در مجموع حکومت پاکستان را در مورد ستراتیژی پاکستان در افغانستان

افشاء می سازد که متن صحبت او را بدون کم و کاست و تصرف تقدیم می دارم که اهداف شوم این کشور را بر ملا می سازد:

او میگوید: «یک چیز را باید بدانید که پاکستان از ۱۹۷۵ حتی قبل از روز های تهاجم اتحاد شوروی سابق بر افغانستان (آی اس آی) در افغانستان بسیار فعال بوده است. حقیقت اینست که افغانستان از نگاه تاریخی جزء لایتجزای پاکستان بوده است (؟) تنها لیتیوم نیست، که وادی پنجشیر هم مملو از زمرد است، شیرغان مملو از گاز است ذخایر گاز درین منطقه بی حد زیاد است روس ها از سی سال به این طرف گاز شیرغان را برده اند، لاجورد بدخشان و غیره. لذا تنها لیتیوم نیست و موضوع اینست که افغانستان یک گنج است، یک معدن طلاست که در هر صورت تریلیون دالر در آن نهفته است.

البته موقعیت جغرافیائی آن. همیشه تقلا برای تصرف افغانستان وجود داشته است. چرا اتحاد شوروی آنجا آمد؟ تنها موضوع موقعیت جغرافیائی آن نبود. امریکا به همین منظور آمده است. پاکستان باید سرنوشت خود را بدست خود گیرد. ما اتحاد شوروی را شکست دادیم و توانائی آنرا داریم که امریکا را هم شکست دهیم زیرا راه تدارکاتی از پاکستان می گذرد. شما خوش داشته باشید یا نه، پاکستان منافع بزرگی در افغانستان دارد و این منافع هیچگاهی در تأسیسات امنیتی پاکستان نادیده گرفته نشده است.

اول: اینکه گفته میشود (آی اس آی) در افغانستان مداخله می کند یک اظهار نظر مزخرف است که (آی اس آی) یک منفعت استراتژیک در افغانستان دارد، پاکستان منفعت استراتژیک در افغانستان دارد و ما همیشه در تماس بوده ایم چون قبایل پشتون در هر دو طرف سرحد زندگی می کنند و طالبان پشتون هستند. (آی اس آی) هیچ نوع تماس قوی با تاجک ها، ازبک ها و هزاره ها ندارد زیرا چنان نژادهایی (اقوام) در پاکستان ریشه ندارند.

دوم: کنترل ذخایر مواد سوخت که از نگاه استراتژیک درین منطقه واقع شده است.

سوم: کنترل راه های تجارتی و بحری مثل مله کند، تنگنای هرمز، کانال سوئز و امثال آن.

چهارم: تخریب مفهوم اسلام سیاسی.

پنجم: محاصره و بازداری روسیه

و ششم: باز داری چین.

تمام این اهداف استراتژیک تنها زمانی بدست آمده می تواند که در افغانستان، قلب آسیای مرکزی، باشید.

سوال: آیا طالبان خوب و بد وجود دارد؟

جواب: از نگاه پاکستان بلی و از نگاه امریکا نه.

از نگاه پاکستان تحریک طالبان پاکستان، گروه شورشی که از طرف (سی آی آی) در روم ایجاد گردید که از افغانستان عملیات می کند و در افغانستان تجهیز می شوند و به پاکستان فرستاده می شوند، از نگاه پاکستان طالبان بد هستند. اینها طالبانی هستند که اردوی پاکستان با آنها می جنگد و در وزیرستان شمالی و جنوبی فعالیت دارند. گروه های بیت الله محسود و حکمت الله محسود و ملا فضل الله.

از نگاه پاکستان طالبان خوب جناح مقاومت افغانستان هستند که علیه قوای ناتو و امریکائی ها می جنگند نه علیه پاکستان. پاکستان آنها را پشتیبانی می کند و علیه آنها هم نمی جنگد.

امریکا می خواهد که پاکستان علیه این طالبان هم بجنگد و این چیزی است که پاکستان مقاومت می کند زیرا پاکستان باید به فکر آینده خود باشد. اتحاد شمال با ایران بسیار نزدیک است و طالبان با پاکستان بسیار نزدیک خواهند بود. تهدید مشترکی که پاکستانی ها و ایرانی ها از امریکا می بینند این است که حضور هندی ها برای ایرانی ها بسیار ناراحت کننده نیست ولی برای پاکستان بسیار ناراحت کننده است. لذا هر دوی این کشور، پاکستان و ایران، در حالیکه به نحو دو جانبه موافقه داریم که نقش استراتژیک در افغانستان داشته می توانیم، لذا باید امریکائی ها در حالیکه می خواهند آبرومندانه از افغانستان خارج شوند، نه تنها با طالبان بلکه با پاکستان و ایران هم مذاکره کنند.» (پایان مصاحبه).

اینست آنچه بار ها گفته شده و در چندین مقاله اینجانب و دیگران از چنین سیاستی و نیاتی که پاکستان آنرا «عمق استراتژیک» میخواند یاد آوری گردیده است. این اظهارات "زید حمید"، مبصر سیاسی و مشاور امنیتی پاکستان نیات واقعی و حقیقت سیاست و روش پاکستان را در برابر افغانستان نشان می دهد. پاکستان هنوز هم چنین سیاستی را با تمام قوت و نیرنگ و خدعه و فریب و سماجت پیروی میکند و نه تنها حکومت ضعیف افغانستان را با تحت فشار گرفتن سیاسی، اقتصادی، و نظامی وادار ساخته است تا به قول این آقا! با (طالبان خوب)، همان هایی که با حکومت افغانستان می جنگند، به میز مذاکره به نشیند بلکه حامیان منطقوی و جهانی افغانستان را مثل امریکا و چین هم وادار ساخته است که بر این خواسته پاکستان صحه بگذارند و آنها نیز بر مذاکرات مستقیم با همین طالبان تأکید نمایند. همان طالبانی که پاکستان آنها را طالبان خوب! می خواند و در برابر افغانستان آنها را تنظیم، تربیه، تجهیز و بسیج می کند و از کشتن هیچ افغانی چه زن و چه مرد چه کودک و چه جوان و چه پیر و چه معلول و معیوب دریغ نمی کنند و روزی نیست که شاهد اشک ریزی عده ای یتیم و بیوه زن نباشیم.

حالا اینکه چنین مذاکراتی نتیجه خواهد داد و یا نه؟ سوالی است که تعداد اندکی می توانند با در نظر داشت چنان نیاتی که پاکستان دارد و از آن آگاهی دارند، به آن خوش بین باشند.

اما از سال ۲۰۱۲ تا کنون نه تنها اوضاع افغانستان تغییر کرده و حکومت دیگری رویکار است (این که این حکومت موفق است یا نه بحث دیگری است که درین نوشته مطمح نظر نیست ولی تا جائیکه دیده شده موقف بهتری نسبت به حکومت پیشین به رهبری حامد کرزی در برابر پاکستان اتخاذ کرده است)، موقف جهان مخصوصاً ایالات متحده امریکا و ناتو در برابر پاکستان تغییر کرده و از مبارزه صادقانه و جدی در برابر تروریسم و از بین بردن لانه های تروریستی در پاکستان به این کشور هشدار میدهند، زلمی خلیلزاد یکی از سیاستمداران عمده و آگاه در مسایل منطقه بخصوص افغانستان و پاکستان، که نقش عمده در ایجاد نظام نوین در افغانستان داشته، هم هشدار داده است که "پاکستان مثل کوریای جنوبی یک کشور دارای بم ذروی ولی منزوی خواهد بود".

سه سناتور امریکائی جمهوریخواه و یک سناتور دیموکرات که روز دو شنبه پس از سفر به پاکستان از کابل دیدن نمودند، در یک کنفرانس مشترک مطبوعاتی در کابل هشدار دادند که شبکه حقانی و سایر شبکه های دهشت افگنی

در پاکستان باید از بین برده شوند. در چنین شرایط و اوضاع و تغییری که در پالیسی های افغانستان و جهان در برابر پاکستان رونما گردیده، رویای نامطلوب و منفور پاکستان برای حاکمیت بر افغانستان و تسلط بر این کشور و تمام داشته های زیر زمینی آن که آنرا "زید حمید"، مبصر سیاسی و مشاور امنیتی پاکستان «طلا» خوانده است خوابی و خیالی بیش نخواهد بود.

پایان

